



دکتر مصباح‌الهی باقری  
پژوهشگر هسته مدیریت جهادی  
مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیهم السلام

# فتن و پژوهش

■ در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی هستیم. انقلابی که پراز حادثه و پدیده بوده است. آنقدر این حوادث پی در پی و مستمراتافق افتاده که بعضاً به واسطه حجم و تراکم آنها، برخی رنگ فراموشی به خود گرفته‌اند. فقط مرور کلیات حوادث انقلاب، انباسته‌ای فراوان برای مان تولید می‌کند که بعضًا ما را از لایه‌های دوم و سوم پدیده‌ها و وقایع دور می‌کند.

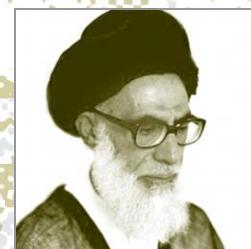
یکی از مفاهیم مقدس و مبارک دینی و اسلامی، مفهوم شهادت، جان بازی و جان فشانی است. این مفهوم در طول ۱۴۰۰ سال عمر پربرکت دین مبین، داشته‌های فراوانی برای آبیاری و با طراوت نگاه داشتن زمین اسلام و زمینه مسلمانی به همراه داشته است. طرفه آن که، در طول صد ساله اخیر حیات کشورمان، این مفهوم در سطحی کلان تر و وسیع‌تر خود را درخشنان تر و عظیم‌تر متجلی ساخته است. سالیان سال مبارزه با استعمار و بعد استبداد، خود درس آموزی‌های فراوانی برای جان بازی در راه حق و دین برای مان به ارمغان آورده است.



شهید آیت‌الله سید محمد علی قاضی طباطبائی  
امام جمعه تبریز - شهادت: ۱۰ آبان ۱۳۵۸



شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی  
امام جمعه تبریز - شهادت: ۲۰ تیر ۱۳۶۰



شهید آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب  
امام جمعه شیراز - شهادت: ۱۰ آذر ۱۳۶۰



شهید آیت‌الله محمد صدوقي  
امام جمعه بيزد - شهادت: ۱۱ تیر ۱۳۶۱



شهید آیت‌الله عطاء‌الله اشرفی اصفهانی  
امام جمعه کرمانشاه - شهادت: ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱

حضور عناصری شایسته و برجسته با ایمان راسخ و روحیه انقلابی ممتاز، مانند شهید آیت‌الله مدرس در عنفوان جوانی در مسیر زندگی ائمه جمیع شهید، به شکل گیری شخصیت مبارزشان بسیار کمک کرده است.

## ۱- انقلابی و جهادی

عمدتاً جوانی این افراد، در دوره حفقان رضاشاھی بود. رضاشاھ قلدر با تحکم و استبداد، تلاش می‌کرد اصلاحات تقلیل خود را در مملکت پیاده و جاری کند. لذا روح مقابله و مبارزه با این نگاه انحرافی خاصه در قشر روحانیت جلوه خاصی پیدا کرد. حضور عناصری شایسته و برجسته با ایمان راسخ و روحیه انقلابی ممتاز، مانند شهید آیت‌الله مدرس در عنفوان جوانی در مسیر زندگی ائمه جمیع شهید، به شکل گیری شخصیت مبارزشان بسیار کمک کرده است. همچنین شاگردی مستقیم و غیرمستقیم در محضر امام خمینی رهبر اسلام، این افراد را علمایی متھور و انقلابی که در برابر ظلم ظالم و حاکم، آرام و قرار نداشته و با زبان و قلم و سلاح به مقابله و مبارزه می‌پرداختند، تبدیل کرده بود. ضمن این که نقش سازماندهی و تشکیلات سازی برای جهت دادن افراد را هم به نقش‌های تبلیغی و ترویجی خود اضافه می‌کردند.

ایران و شهید محمد باقر حکیم در عراق، به عنوان امام جمعه در محراب یا غیر آن شربت شهادت نوشیدند. چشم نوازی شهادت این بزرگمردان در این است که، عمری را به مجاهده نفس و مبارزه با طاغوت و استبداد و استکبار مشغول بودند و نهایتاً با محاسنی سفید و نفسی مطمئن، به لیاقت لقاء الله نایل آمدند.

هنگامی که سیر و مسیر زندگی و تعالی این شهدای گرانقدر برسی می‌شود، مشترکات جالبی در آن پیدا می‌شود که می‌توان از آنها به عنوان کلید سعادت و شهادت نام برد. این ویژگی‌ها، عمدتاً در طول مسیر حیات به شکل تدریجی به ظهور و سپس بلوغ رسیده و هر یک حاجی را بر چشم دل این رهگذران عالم خاکی باز نموده و حالا در افقی دورتر برای «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (احزان: ۲۳) می‌درخشند. برخی از این ویژگی‌ها را مرور می‌کنیم:

■ این مفهوم، بعد از انقلاب در چهار عرصه رنگ و رونق جدید و البته خاصی پیدا نمود. اول در موضوع ترورهای مسلحانه، مذبوحانه و سبعانه منافقین، دوم در خلال ۸ سال دفاع جانانه از حريم عرض و دین و میهن، سوم در حوادث جنگ بوسنی و چهارم در وقایع اخیر مربوط به منطقه خاصه عراق و سوریه.

در حقیقت شهادت طلبی عنصری یگانه و متمایز برای انقلاب اسلامی در بین انقلاب‌های سده‌های اخیر است. این عنصر از کودک و نوجوان تا پیر و کهنسال از کارمند و کارگر تا کاسب و بازاری و از عامی تا روحانی همه و همه را در بر می‌گیرد.

در بین این اقسام، امامان جمعه‌ای که در محراب یا غیر آن، به افتخار شهادت نایل آمدند، از جهاتی، چشم نوازتر می‌نمایند. در این چهار دهه، شهیدان قاضی طباطبائی، مدنی، دستغیب، صدوقي، اشرفی اصفهانی در

مهم قضیه اینجاست که با همه فهم و درایت علمی خاصه فقهی این عظام عظیم الشأن که هر کدام برای خود مجتهدی متبھرو در حد عالمی مرجع بودند، در تبعیت از ولی امر و سرنهادن به کلام و اوامر او، بی تأثیر و تأخیر بودند.

## ۲- تبعیت از امام ومحبت به ولی

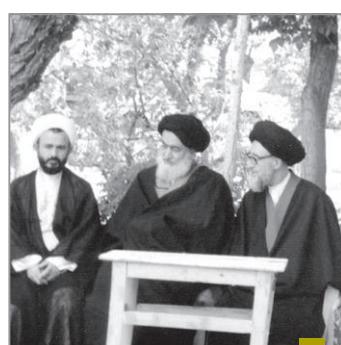
و درایت علمی خاصه فقهی این عظام عظیم الشأن که هر کدام برای خود مجتهدی متبھر و در حد عالمی مرجع بودند، در تبعیت از ولی امر و سرنهادن به کلام و اوامر او، بی تأثیر و تأخیر بودند. در واقعه کاپیتولاسیون و همچنین لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مبارزه مستمر و آشکار با رژیم پهلوی و خط ظلم و استبداد و تحکیم و تثبیت انقلاب تا پای جان، در مسیر تبعیت از امام ایستادند و لحظه‌ای مماشات و تردید نکردند.

داماد شهید مدنی درخصوص این ویژگی ایشان می‌گوید: شهید مدنی با این جلالت علمی و کفایت و لیاقت شخصی، در مقابل امام راحل، کاملاً مطیع و دربست دراختیار فکر و اندیشه ایشان بود. می‌توان گفت فانی در امام عزیز بود و بی‌نهایت به او عشق می‌ورزید. یک روز جلوی تلویزیون نشسته بودیم، به محض اینکه تصویر حضرت امام ظاهر شد، بی‌اختیار خم شد و تصویر مبارک ایشان را بر صفحه تلویزیون بوسید.

فاصله سنی ائمه جمعه شهید و امام راحل عظیم الشأن، کمتر از پانزده سال بود، حتی شهید اشرفی اصفهانی هم سن امام بودند. البته بعضًا، به واسطه همین فاصله و کسوت علمی و تبحیر چند وجهی حضرت امام ره، این بزرگواران، از درس معظم له استفاده کرده‌اند، اما آنچه را که بیشتر می‌توان در مishi و مرام اینان دید، تبعیت و پیروی محض در مسیر مبارزه تا بعد از پیروزی انقلاب از امام و خط امام در تحکیم انقلاب اسلامی است. این بزرگان، تردیدی در تبعیت شاهی پهلوی ملعون، تا پای حضرت امام نداشتند و لحظه‌ای و گوش به فرمانی نسبت به شک و شببه در اجرای منویات امام به خرج نمی‌دادند. مهم قضیه اینجاست که با همه فهم

در واقع، این رگه انقلابی بودن، شاید در سده‌های قبل به صورت شاذ و استثنایی در برخی علماء ظاهر می‌شد، اما با ظهور و حضور حضرت روح الله، این موضوع با نگاهی جدی تر و تشکیلاتی تر، در بدنه طلاب فاضل نفوذ کرد و آنها را از فاز سکوت و مدارا و حداکثر تذکر با تدقیق حکم و فتوای، به وسط معركة و میدان مبارزه و جهاد فرا خواند.

شهدای جمعه، همگی از انقلابیون و جهادیون بودند. هم در دوران مبارزه با رژیم ستم شاهی پهلوی ملعون، تا پای سخت و شکنجه‌های سنگینی را تحمل کردند و هم در دوره کوتاه حیات‌شان بعد از پیروزی انقلاب، لباس مبارزه و جهاد را از تن بیرون نکردند. حتی با آغاز جنگ، خود را در لباس مقدس رزم همراه با نیروهای بسیجی و مردمی به جبهه‌ها رسانده و در کنار زمیندگان بودند.



#### ۴- تعبد و تقید راسخ

شاید یکی از مهم‌ترین خصوصیات این علمای شهید، تلاش برای رسیدن به درجه «عبد بودن» است. لذا، عمل به واجبات با تمام کیفیات، انجام مستحبات دینی و مشغولیت مداوم به ذکر و حمد الهی و سایر اذکار و ادعیه ماثوره از جمله مراتب عبودیت ایشان بود. حقیقتاً، این افراد، خود راهیچ می‌دیدند و در مسیر بندگی، از هیچ عمل موثری فروگذار نمی‌کردند.

از حضرت آیت الله دستغیب، نقل می‌کنند که نماز اول وقت ایشان به تأخیر نمی‌افتد. در سفر برای حج تمتع، به علت خط پروازی موجود، مجبور شدند از طریق فرودگاه بیروت عمل کنند. با تاخیری که در پرواز به وجود آمد، موعد سوار شدن به هواپیما، با دخول وقت نماز همراه شد. ایشان خواستند که نماز را به جای بیاورند، بعد سوار شوند، گفتنند نمی‌شود و ما حرکت می‌کنیم. صحبت‌های دیگر هم افاقه نکرد. ایشان تصمیم گرفتند پیاده شوند و از پرواز جا بمانند ولی نمازشان نماند. در همین اثنا، موتور هواپیما، دچار مشکلی شد و اعلام شد، حداقل برای چهار ساعت کار لازم است. ایشان مشغول نماز شدند؛ نماز که تمام شد، گفتند هواپیمایی که معمولاً با این نوع خرابی، ۴ ساعت وقت برای تعمیر نیاز داشت، خیلی زود آماده شد!! لحظاتی بعد پرواز انجام شد.



#### ۳- پیرو مرشد اخلاقی

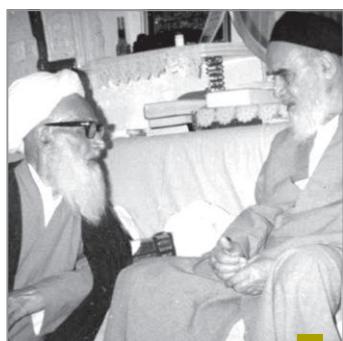
هر کس گوشه‌ای - و فقط گوشه‌ای - از حیات این شهدای گران قدر را خوانده باشد، نسبت به اخلاقی بودن این بزرگواران، ایمان و اتقان می‌آورد. در حقیقت، قبل از این که مراتب جهاد اصغر را طی نمایند، مشغول معرفه النفس شده و در جهاد اکبر، فاتح گشته‌اند. از همه این بزرگواران درس‌های اخلاقی فراوانی از زهد، تواضع، صداقت، امانت داری، خلوص نیت، صبر و... نقل شده است و هم اینها بوده که باعث جلب و جذب توده‌های مستضعف و محروم گرداین شمع‌های نورانی شده است.

در خصوص شهید اشرفی اصفهانی نقل‌ها می‌کنند. از جمله این که:

- اگر از ایشان تعریفی می‌شد، می‌گفتند: آنچه گفتی در من نبود و من راضی نبودم این کلمات را برای من بگویی.
- در اعلامیه‌های زمان طاغوت، هیچ گاه اول و مقدم بر همه، امضا نمی‌کرد.
- او با آرامش، مشکلات و کارشکنی‌ها را تحمل می‌کرد و هیچ گاه در صدد انتقام و تلافی بر نیامد.

دختر شهید می‌گوید: پدرم در انتخاب دعا، بسیار دقیق بود. دعاهايي را انتخاب می‌کرد که در آن ذكر دنيا کمتر بود.

و شهید عزیز محرب این جمعه ما از آن شخصیت‌هایی بود که اینجانب یکی از ارادتمندان این شخص والامقام بوده و هستم. این وجود پر برکت متعهد را قریب شصت سال است می‌شناختم. مرحوم شهید بزرگوار حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا عطاء‌الله اشرفی را در این مدت طولانی به صفاتی نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی از هواهای نفسانی و تارک هوا و مطبع امر مولا و جامع علم مفید و عمل صالح می‌شناسم و در عین حال مجاهد و متعهد و قوی النفس بود. او در جبهه دفاع از حق از جمله اشخاصی بود که مایه دلگرمی جوانان مجاهد بود و از مصاديق بارز «رجال صَدَّقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزان: ۲۲) بود... شهید بزرگوار مدنی هم در عبادت‌هایشان یک حالت خاصی داشتند. کسانی که حالت عبادت ایشان را می‌دیدند، لذت می‌بردند. دختر شهید می‌گوید: پدرم در انتخاب دعا، بسیار دقیق بود. دعاهايي را انتخاب می‌کرد که در آن ذکر دنيا کمتر بود. ذکر بهشت کمتر بود. دعايي رامي خواند که در آن، قرب حق و رضایت حق بود و بدان‌ها سخت پایبند بود و عمل می‌کرد. همین‌ها او را به جایی رساند که دیگر بخل و کینه و حسد در او جانداشت.



پیام امام راحل در شهادت شهید اشرفی اصفهانی نیز گوشه‌هایی از این صفات عالیه تعبدی را در این بزرگوار برای همه نسل‌ها و اعصار متجلی می‌نماید:

چه سعادتمند آنان که عمری را در خدمت به اسلام و مسلمین بگذرانند و در آخر عمر فانی به فیض عظیمی که دلباختگان به لقاء الله آرزو می‌کنند نائل آیند. چه سعادتمند و بلند اخترند آنان که در طول زندگانی خود کمر همت به تهذیب نفس و جهاد اکبر بسته و پایان زندگانی خویش را در راه هدف الهی با سرافرازی به خیل شهدای در راه حق پیوستند. چه سعادتمند و پیروزند آنان که در نشیب و فرازها و پستی و بلندی‌های حیات خویش به دام‌های شیطانی و وسوسه‌های نفسانی نیفتاده و آخرين حجاب بین محبوه و خود را با محاسن غرق به خون خرق نموده و به قرارگاه مجاهدین فی سبیل الله راه یافتدند. چه سعادتمند و خوشبختند آنان که به دنيا و زخارف آن پشت پازده و عمری را به زهد و تقوی گذرانده و آخرين درجات سعادت را در محرب عبادت و در اقامه جمعه با دست یکی از منافقین و منحرفین شقی، فائز و به والانترین شهید محرب که به دست خیانت کار اشقی الاشقيا به ملاع اعلا شتافت، ملحق شدند.

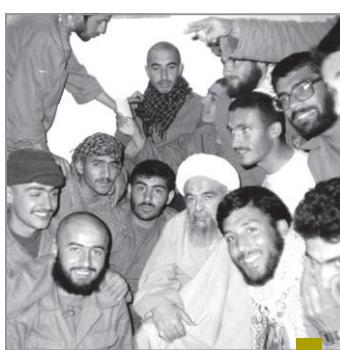
## ۵- ساده‌زیستی و مردم‌داری

فقط مقداری دانه ذرت برسته بود. چیزیگری نداشت. این مسیر تا پایان حیات مبارک‌شان ادامه داشت. یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید: ایشان شب‌ها مطلقاً غذای طبخ شده میل نمی‌کردند. غذای شب ایشان اغلب مختصری نان و پنیر یا نان و ماست بود. در رابطه با جنگ و جیره‌بندی ارزاق و نفت، از سوی استانداری و اداره بازرگانی به ایشان پیشنهاد شد اجازه بدنه‌ند مقداری برنج و قند و شکر برای امورات و تعاملات اجتماعی که دارند فرستاده شود. شهید می‌فرمودند: هیچ تفاوتی بین من و دیگر مردم نیست. درست است که ایاب و ذهاب ما زیاد است ولی در این موقعیت جنگ و کمبود ارزاق نباید به دولت فشار آورد. در آن سرمای سخت باختران و با وجود کبرسن، مثل دیگران هر دوازده روز فقط یک گالن بیست لیتری نفت دریافت می‌کردند و هرچه اصرار می‌شد، ایشان نمی‌پذیرفتند.

ترورهای مکرر منافقین سبب شده بود، حلقه حفاظتی برای این بزرگواران تعییه شود، ولی ایشان، تلاش می‌کردند، این حلقه مانع ارتباط نشود. البته توصیه اکید امام علیه السلام هم براین بود که بین حفظ ارتباط با مردم و حفاظت جان، اولی، اولی است.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی دوران طلبگی خود را اینگونه توصیف کرده‌اند: زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم. بسیاری از روزها نفت نداشتیم. برای مطالعه در شب، از نور چراغ نفتی توالث‌های مدرسه استفاده می‌کردیم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درس‌های یک هفته را مور در کردم. در مدت دوازده ساعتی که یک‌سره آنجا بودم غذای من

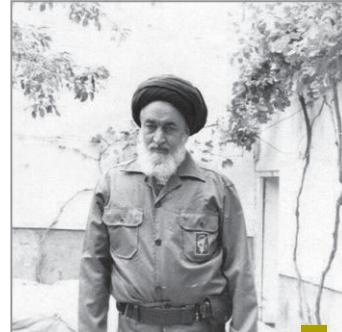
یکی از بارزترین و البته اثرگذارترین ویژگی‌های ائمه جمیع شهید، وجود دو خصوصیت توأمان برخورداری از یک زندگی ساده و بی‌آلایش و حداقلی، همراه با مواجهه ساده و مستقیم با مردم و تعامل و تعاطف با آنهاست. ذکر این دو ویژگی، با هم معنا دارد. یکی بدون دیگری بی‌معناست. نمی‌شود، مردم‌داری کرد اما ساده‌زیست نبود. در حقیقت شرط لازم برای مردم‌داری، زندگی به دور از تشریفات است. ساده‌زیستی، زمینه ارتباط راحت و آسان با مردم را فراهم می‌کند. بین این علمای کرام و مردم، هیچ فاصله و مسافتی برای دسترسی و تماس نبود. مهم‌ترین شاهد این موضوع هم، نوع شهادت همه این بزرگان است. از آنجا که منافقین، این رابطه مردمی و تنگاتنگ را دیده و شناسایی کرده بودند، از این طریق، به عنوان یک خلاً حفاظتی استفاده کرده و به بهانه معاشرت و مصاحبت با این بزرگان، آنها را به شهادت می‌رسانند. حتی با این که



## ۶- اهل هجرت

آنجا شد و بعد از مدتی یکی از اساتید بزرگ حوزه نجف گردید. در همین ایام، در کنار فعالیت‌های علمی، لحظه‌ای از فعالیت‌های سیاسی غافل نبود و همواره در مسایل سیاسی و مبارزه علیه طاغوت، پیشگام و پیشتاز بود. وی در دوران زمامداری عبدالناصر در مصر، در رأس هیاتی از علماء فضلای نجف برای افشاری رژیم طاغوتی ایران به مصر سفر کرد. هنگامی که گفته شد آل سعود بر عربستان مسلط گردیده، طلاب را جمع کرد و گفت باید از نجف حرکت کنیم و برویم با آل سعود مبارزه کنیم و اعتقاد داشت که در حجاز باید مبارزه چریکی انجام بگیرد.

او در زمان عبدالکریم قاسم، حاکم وقت عراق، کفن پوشید و علیه اندیشه مارکسیستی موضع قاطع و علنی گرفت.



یکی از خصوصیات اشاعه و تبلیغ دین، در هجرت برای علم آموزی و هجرت برای تعلیم و تربیت نفوس است. این شهدا، بشدت به هردو این امور، بعنوان یک مأموریت اساسی نگاه می‌کردند. در سلوک هجرت شهید بزرگوار مدنی ذکر کرده‌اند: زمانی که ایشان برای تحصیل علم، تصمیم به هجرت گرفت، اسلام و روحانیت روزگار سختی را می‌گذراندند. از یک سو رضاخان پهلوی در اوج قدرت و استبداد، فعالیت علمای اسلام را محدود ساخته و از سویی دیگر، ظهور روشنفکران غرب‌گرا و سرسپرده به فرهنگ بیگانه در ایران، عرصه تلاش برای تبلیغ احکام و ارزش‌های اسلامی را تنگ تر می‌نمود. سید بزرگوار، در چنین روزگاری حجره بزاری پدر را رها کرد و در حالی که زندگی نیز به کامش شیرین بود، دوباره با رنج و محنت غربت همنشین گردید و هیچگاه اوضاع سخت زمان و ملامت دوستان در او اثر منفی نباشد.

ایشان در چهل سالگی، برای بهره بردن از حوزه علمیه نجف رهسپار

در سال ۴۲، که حرکت عظیم مردم به رهبری امام در جهت سرنگونی رژیم طاغوت آغاز شد، ایشان اولین فردی بود که در نجف به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام، لبیک گفت و با تعطیل کلاس‌های خود در نجف و تشکیل مجالس سخنرانی، در جهت افشاری چهره پلید رژیم مزدور پهلوی گام برداشت.

سپس به ایران و همدان برگشت و کار تبلیغی خود را از روسنای دره مراد بیک این استان آغاز کرد و فرمود: من دیدم باید همدان را حرکت بدhem، از یک ده کار را شروع کردم تا مردم ببینند، بعد گرایش پیدا کنند. ایشان دستور داد کسی حق ندارد بدون حجاب اسلامی وارد بشود. همچنین فروختن و خوردن مشروبات را ممنوع کرد و دره مراد بیک، یک ده نمونه شد. این عمل ایشان باعث علاقه مردم متدين همدان به او شد، لذا آرام آرام گرد این بزرگوار جمع شدند.

دراوایل دهه ۵۰، در شهر خرم‌آباد، خلاً حضور یک عالم مجاهد و متعهد که بتواند مرجع مذهبی

از مهمترین اقدامات و ثمرات تلاش‌های علمی، ارشادی، تبلیغی و انقلاب ائمه جمیع شهید، تلاش مستمر و مداوم برای تربیت نیروی جهادی و انقلابی است.

## ۷- تربیت نیرو و شبکه سازی

یکی از مهمترین اقدامات و ثمرات تلاش‌های علمی، ارشادی، تبلیغی و انقلاب ائمه جمیع شهید، تلاش مستمر و مداوم برای تربیت نیروی جهادی و انقلابی است. مهمترین عامل در این مسیر هم، فعل و عمل شخص این بزرگان است. در حقیقت، ایشان با الگو و اسوه شدن، افاد دیگری که قابلیت‌هایی داشتند را مجدوب می‌کردند و آرام‌آرام در حلقه‌های نزدیک‌تر به خود با برخی آموزش‌ها و برنامه‌ها، سعی در تربیت ایشان می‌نمودند. لذا، نسخه اصلی تربیتی این بزرگان دینی و انقلابی، عمل خودشان بود و نه فقط ارشاد لسانی. از آنجا که ارتباط بدون واسطه با مردم هم جزء لاینفک سبک رهبری‌شان بود، بنابراین، آحاد مردم به راحتی در شعاع حرکت و فعل این بزرگواران فرار گرفته و بعد از اینکه، این رفتارها اثر درونی خود را گذاشت، آن مردمان نیز همان سبک زندگی را می‌پذیرفتند و خود را بدان مزین می‌کردند.

لذا در سال ۵۷، ایشان به مهاباد تبعید می‌شوند جالب اینکه در راه سفر به مهاباد، با حسن معاشرت و رفتار با مأمورین، آنها ترک خدمت کرده و شهید مدنی برای انجام فعالیت‌های مبارزاتی به خرم‌آباد می‌رود!! بعد از انقلاب نیز، ابتدا به واسطه سالیان سال حضور در همدان، از طرف مردم این شهر به نمایندگی مجلس خبرگان منتخب می‌شوند و سپس از طرف امام، برای نمایندگی ایشان به تبریز می‌روند. این خاطره را هم توجه کنید: عده‌ای می‌خواستند بروند جبهه. بچه‌ها که رفتند، حاج آقا، آمدن خانه و سخت ناراحت بودند واشک در چشمانشان حلقه زده بود. از ایشان پرسیده شد: چرا ناراحتید؟ فرمودند: تلفن بزنید به دفتر امام و اجازه بگیرید از امام که من هم با این بچه‌ها بروم. آخر من نمی‌توانم ببینم این بچه‌ها می‌روند جبهه، آنها می‌جنگند و من نجنگم. درست است که پیر شده‌ام، اما می‌توانم...



همچنین شهید اشرفی اصفهانی از شاگردان بنام حضرت آیت‌الله خوانساری و حضرت آیت‌الله بروجردی رحمه‌للہ علیہ بودند، و جالب اینکه مورد توجه خاص این بزرگواران به جهت زهد علمی و استعداد نیز بوده‌اند.

### ۱- جاری شدن چشمه‌های حکمت و معرفت

علاوه بر حوزه علمی، شهادای گران‌قدر، مراتب و مراحل معرفت و عرفان را نیز هم به صورت نظری و هم به صورت عملی ذیل اهل این مقامات طی کرده‌اند. از این جهت هم به نوعی خود را ساخته و پرداخته بندگی مخلصانه‌تر کرده‌اند، هم زمینه‌ساز و وسیله دستگیری و امدادهای غیبی شده‌اند.

از این رو، مثلا، شهید دستغیب محضر عارف نامی مرحوم آیت‌الله انصاری همدانی رحمه‌للہ علیہ رسید و با بهره‌گیری از مراحم آن بزرگوار، مدارج عالیه‌ای را در عرفان طی کرد و بعدها با رفاقت و همنشینی با آیت‌الله نجابت، راه وصال را از صراط مستقیمش پیمود.

نهال تازه برآمده انقلاب اسلامی وارد خواهد آمد. البته دست خدا را در محاسبات شان نادیده گرفته بودند که هر کدام از اینها شجره طیبه پریزگ و ثمر می‌شوند که هم سایه‌شان و هم بارشان، بسیار مورد استفاده قرار خواهد گرفت. رفتن هر کدام از این شهدا، جداً و حقاً ثلمه‌ای بزرگ پدید آورد که پر کردن آن مگر به عنایت حضرت حق، میسور گردد.

### ۹- علم و فضل

این زعمای شهید، هیچگاه بخارط حضور اجتماعی موثر خود را از دایره علمای فاصل منفک و جدا نساخته و در آن بخش نیز جزء سرآمدان و باصطلاح فضلای حوزه محسوب می‌شدند.

از این جهت شهید دستغیب در سن ۲۴ سالگی دارای اجازه اجتهاد از ۸ مرجع مسلم از جمله حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی بود.



### ۸- اولین نفرات، نفرات اول

برای آرمان بزرگ هرکدام از این شهدا، برای خود یلی بودند که معیارهای متنوع و متفاوت نمایندگی امام در منطقه خودشان را دارا بودند. در حقیقت چون دست‌پروردۀ اندیشه و فکر عمل امام بودند، لذا به نوعی اندیشه و عمل امام را در منطقه تحت سرپرستی بازتاب می‌دادند. این بزرگان، جمع بین خصیصه‌های مختلف از نظری و علمی گرفته تا تأسیسی و پرورشی و حرکتی همه را تولی‌گری و تصدی‌گری می‌کردند. البته نوع تعامل مردم مدارانه‌شان هم طوری بود که در هر معیاری که نقصی هم دیده می‌شد، خیلی زود بوسیله نیروهایی ترمیم می‌گردید. از این ویژگی، به این می‌رسیم که ائمه جمعه شهید خود را همیشه آماده و مجهز می‌داشتند و سعی می‌کردند با ابزار و یاراق تمام و کمال در میدان مبارزه و مجاهده حاضر شوند و در این مقام کوچک‌ترین نقص و خلایی را باقی نگذارند. منافقین کوردل هم خوب تشخیص داده بودند که با ترور هر کدام از این بزرگواران چه ضربه بزرگ و خلاً غیرقابل جبرانی به



## جمع بندی

آنچه در احوال شخصی و سیره این شهدای عظام دیده شد، یک کلی به هم پیوسته بود که از دوران کودکی و پیش از آن، با نور قرآن، توصل به اولیاء و رزق حلال و طیب شروع می‌شود، در دوره تحصیل و طلبگی، با اهتمام و سخت‌کوشی ادامه پیدا می‌کند، در زندگی خانوادگی با مدارا و تعامل جربان می‌یابد، در حیات اجتماعی با خیرخواهی و دستگیری به ظهور و بلوغ می‌رسد و در سیر سیاسی و مبارزاتی رنگی متعالی به خود می‌گیرد تا قابلیت و لیاقت ذوب در حق والهی شدن را پیدا کند. اما یک خط ممتد در همه زندگی این بزرگان دیده می‌شود و آن خط، **جهادی بودن** است؛ به معنای تمام کلمه: یعنی هم تلاش و اهتمام جانکاه و جدی همراه با زندگی زنده و پویا در مسیر اعتلای توحید و تسلیم که لازمه آن شناخت خود و خودی همراه با شناخت مختصات دشمن و مقابله همه جانبه با آن است. در حقیقت، جوش و خروش حق طلبی، آنها را به سعی وافر برای احقيق حق و امی دارد، در عین حال روحیه مبارزه و مقابله با باطل رانیز در خود پیورش عینی و عملی می‌دهند.

این ویژگی، سبب شده است این بزرگان جلوتر از زمان و زمانه خود باشند و هیچ مولفه و متغیری، آنها را از صراط مستقیمی که به آن رسیده‌اند، منحرف نمی‌کند. شاید بتوان این بزرگان را الگوی جهادی متعالی دانست که در ذیل حکومت اسلامی به بالاترین فیوضات دست یافته‌اند. و چقدر حیف که این سرمایه‌ها، گوشه‌ای مانده‌اند و ما وamanده از بهره‌گیری درست از مشی و مرام و باور و طلبشان ...

تصویر اجتماعی شهدای محرباً با تصویر خانوادگی شان متفاوت نیست. از جمله، احترام و قدرشناسی از همسر، دخالت دادن اعضای خانواده در تصمیمات، رعایت کردن حال و هوای خانه و خانواده و ایفای نقش همسری و پدری، رسیدگی به امورات منزل و کمک کردن در مسؤولیت‌های درون منزل از جمله این ویژگی هاست.

## ۱۱- دوستدار خانواده

یکی از مشترکات زندگی و سیره این شهدای عظیم الشأن، توازن و یک دستی در رفتار خانوادگی و اجتماعی ایشان است. به عبارت دیگر، تصویر خانوادگی شان ایشان با تصویر خانوادگی شان متفاوت نیست. از جمله، احترام و قدرشناسی از همسر، دخالت دادن اعضای خانواده در تصمیمات، رعایت کردن حال و هوای خانه و خانواده و ایفای نقش همسری و پدری، رسیدگی به امورات منزل و کمک کردن در مسؤولیت‌های درون منزل از جمله ویژگی‌هایی است که این زعمای اخلاقی و ایمانی همراه با لحاظ نقش‌های اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی شان متعهد می‌شدند.

